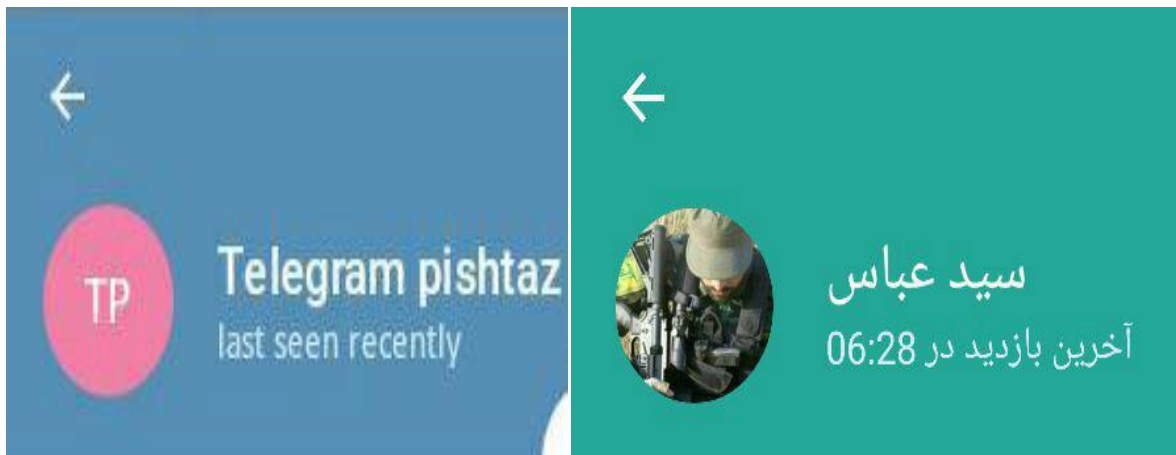


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مناظره باعنوان:

حدیث پشه در تفسیر قمی

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۳/۱۳



Telegram pishtaz (آئیست)

سیدعباس (شیعه)

کانال منهج البدعه

https://telegram.me/menhajol_beda

Telegram pishtaz:

خب عزیزم

سند روایت رو بیار

در موردش گفتگو کنیم(نترس)

سید عباس:

علی بن ابراهیم القمی - تفسیر القمی - الجزء : (۱) - رقم الصفحة : (۳۴)

- قال : وحدثني : أبي ، عن النضر بن سوید ، عن القسم بن سليمان ، عن المعلى بن خنيس ، عن أبي عبد الله (ع) أن هذا المثل ضربه الله لأمر المؤمنین (ع) فالبعوضه أمير المؤمنین (ع) وما فوقها رسول الله (ص).

Telegram pishtaz:

خب رفیق عزیزم

سند این روایت ضعیفه؟

با ذکر دلیل بفرمایید دوستان فیض ببرند

سید عباس:

در این روایت شخصی هست به نام القسم بن سليمان

که علما این راوی را مجهول می دانند

المحقق الأردبیلی - مجمع الفائدة - الجزء : (۲) - رقم الصفحة : (۸۶)

- قال المحقق الأردبیلی قدس سره فی مسائل اللباس فی رواية لبس الديباج : (ويكره لبس الحرير) مع أنه حرام كما مر ، على أن السند ليس بصحيح ، لوجود قاسم بن سليمان المجهول.

این ضعف روایت

Telegram pishtaz:

اولا حماد بن عیسی از او نقل روایت کرده و حماد از اصحاب اجماع است

و مشایخ اصحاب اجماع تماما ثقه هستند

یونس بن عبدالرحمن نیز که او هم از اصحاب اجماع است از قاسم روایت کرده

اولا حماد بن عیسی از او نقل روایت کرده و حماد از اصحاب اجماع است و مشایخ اصحاب اجماع تماما ثقه هستند. یونس بن عبدالرحمن نیز که او هم از اصحاب اجماع است از قاسم روایت کرده

تو دهنی اول از میرداماد

علامه محقق داماد میگوید اصحاب امامیه بر این قضیه اجماع دارند

« أجمعت العصابة على تصحيح ما يصحّ عنهم ، والاقرار لهم بالفقه والفضل والضبط والثقة ، وان كانت روايتهم بارسال أو رفع أو عمن يسمونه وهو ليس بمعروف الحال ولمّ منهم في أنفسهم فاسدو العقيدة ، غير مستقيمي المذهب - إلى ان قال : مراسيل هؤلاء ومرافيعهم ومقاطيعهم ومسانيدهم إلى من يسمونه من غير المعروفين ، معدودة عند الاصحاب - رضوان الله عليهم - من الصّحاح من غير اكرات منهم لعدم صدق حدّ الصحيح على ما قد علمته (من المتأخرين) عليها »

«امامیه بر تصحیح آنچه که از اصحاب اجماع صحیحا نقل می شود اتفاق نظر داشته و به فقه، فضل، ضبط و ثقه آنان اذعان دارند. اگرچه روایتشان همراه با ارسال، رفع، یا نقل شده از کسانی باشد که آنان نامشان را برده‌اند، هر چند برای ما هویتشان روشن نباشد، یا کسانی باشند که دارای فساد عقیده و دچار انحراف مذهبی باشند

الرواشح السماویة صفحه ۴۱

کلیات فی علم الرجال شیخ جعفر السبحانی جلد : ۱ صفحه : ۱۸۷

اول از همه تکلیفتو مشخص کن توثیقات عام رو قبول داری یا نه اصلا سوادشو داری یا نه؟

چندین دلیل بر وثاقت سلیمان از توثیقات عام داریم

اولا قاسم بن سلیمان از مشایخ ابن قولویه بوده و تو سند کامل الزیارات بوده

اولا وقوع در اسناد کامل الزیارات

ثانیا قاسم بن سلیمان استاد دو تن از اصحاب اجماع بوده

ابن قولویه در دیباچه‌ی کامل الزیارات چنین می‌نویسد:

«و قد علمنا بانا لانحيط بجمع ما روى عنهم فى هذا المعنى و لا فى غيره لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من اصحابنا رحمهم الله برحمته، و لا أخرجت فيه حديثاً روى عن الشاذ من الرجال يؤثر ذالك عنهم عن المذكورين غير المعروفين بالروايه المشهورين بالحديث و العلم...» دانستيم كه احاطه بر همه آنچه از ائمه عليهم السلام روايت شده، مشكل است؛ ولى رواياتى را آورديم، كه از راويان ثقه به دست ما رسيده باشد و راويان آن شاذ و ناشناخته نباشند.

سيد عباس

خوب بسم الله

ما گفتيم مى خواهيم بايکى بحث كنيم كه اهل علم باشد نگو اين اتئيست ها يکى رو فرستادن كه در بى سوادى چون كوروش است حالا بايد در انتظار صاعقه هاى سنگين باشه كه ياد بگيره به جاى كپى پيست بره تحقيق بكنه

خوب پس تا اينجا ثابت شد اين رواى هيچ توثيقى ندارد اين اولاً

ثانياً عموجان هر گردى گردو نيست و هر سيبيلويى بابا نيست

شما خودت سند روايت رو مطالبه كردى و ما هم سند رو داديم

حالا ادامه رو بخوان

رفقا سند روايت رو بار ديگر ارسال مى كنم

على بن ابراهيم القمى - تفسير القمى - الجزء : (١) - رقم الصفحة : (٣٤)

- قال : وحدثنى : أبى ، عن النضر بن سويد ، عن القسم بن سليمان ، عن المعلى بن خنيس ، عن أبى عبد الله (ع) أن هذا المثل ضربه الله لأمير المؤمنين (ع) فالبعوضه أمير المؤمنين (ع) وما فوقها رسول الله (ص). ما سخن از قسم بن سليمان مى كنيم اين بنده خد سخن از قاسم مى كنه فكر كرده هر كسى تو اسم ق و س م باشه يکى هستن

بابا يکى قاسم هست و يکى قسم برو اول فرق بين اين دو روات را بخوان تا بعدا بيابى بحث کنى

ثانياً گفتيم اين رواى مجهول هست و جهلات را با توثيق عام نمى توان داراى تعديل كرد زيرا چنين رواى در رجال و تراجم تعريفى ندارد

همان طور که علما گفتن این راوی مجهوله

المحقق الأردبیلی - مجمع الفائدة - الجزء : (٢) - رقم الصفحة : (٨٦)

- قال المحقق الأردبیلی قدس سره فی مسائل اللباس فی روایة لبس الדיباج : (ویکره لبس الحریر) مع أنه حرام كما مر ، علی أن السند لیس بصحیح ، لوجود قاسم بن سلیمان المجهول.

و علمای دیگر هم گفتن این راوی توثیقی ندارد

المحقق السبزواری - ذخیره المعاد - الجزء : (٢) - رقم الصفحة : (٢٢٨)

- وقال المحقق السبزواری عند ما تعرض للباس القميص المكفوف بالديباج : وهذه الرواية غير تقى السند لأن جراح غير موثق ، وكذا الراوی عنه وهو القسم بن سلیمان.

حالا راوی که مجهوله و توثیق نداره این می خواهد توثیق عام بیاره برای کی؟ برای یک راوی که ربطی به مطلب ما ندارد

اما برویم سر ادامه این راوی

اقای قاسم که ایشون ازش سخن گفتن راوی هست که نقل روایت از امام صادق داشته یعنی مرویات او مستقیم از امام صادق بوده

حال آنکه راوی که ما آوردیم آقای قسم بن سلیمان او یک طبقه با امام صادق فاصله داشته و هر جاهلی هم می داند اصلا طبقه راوی ما با راوی این اتئیست یکی نیست بعدا چطوری این رو را یکی کرده؟

این رسوایی تا اینجا که اصلا بفهد این دو راوی یکی نیستن

اما مطلب بعدی که در مورد مشایخ ابن قولیه سخن گفت

یعنی والله قسم اوج بی سوادی را در این اتئیست نظاره کنید البته تقصیر ندارد چون آموزش ندیده فقط کپی پیست کرده

Telegram pishtaz

اولا قاسم بن سلیمان از مشایخ ابن قولویه بوده و تو سند کامل الزیارات بوده

سید عباس:

یعنی این جمله را بع هر اهل علمی بگید به شما می خندن

زیرا مشایخ به کسی می گویند که راوی از مشایخ خود یعنی استاد خود نقل روایت کنه

وقتی یک انسانی روایتی را با چند طبق یعنی با چند فاصله زمانی روایتی رو از کسی نقل کنه اصلا مشایخ به حساب نمی آید

گاف هایی داده که باید در تاریخ اثیست ها به نمایش گذاشت

رفقا نگاه کنید ببینید در کتاب ابن قولویه اصلا ایشون جز مشایخ هست یا فقط در طریق کامل الزیارات هست

- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سَلِيمَانَ ، عَنِ جِرَّاحِ الْمَدَائِنِيِِّّ

رفقا یک بار دیگر مرور می کنیم

ایشون ادعا کردن که قاسم از مشایخ ابن قولویه هست

Telegram pishtaz:

اولا قاسم بن سلیمان از مشایخ ابن قولویه بوده و تو سند کامل الزیارات بوده

سید عباس

مشایخ به که می گویند؟ مشایخ یعنی استاد

وقتی می گوییم مثلا شیخ مفید از استاد خود و مشایخه خود نقل روایت کرده یعنی اون استاد و مشایخ خود را دیده و از او سماعه کرده چون هم معاصر او بوده

الان قاسم از اساتید و مشایخ ابن قولویه هست؟

شما خودتان حساب کنید از راوی اول که مشایخ ابن قولویه باشه یعنی نوشته حدثنی ابی رحمه الله تا قاسم چند طبقه هست روایت را بشمارید و طبقه را نگاه کنید که اصلا جز مشایخ نیست

و مشایخ به کسی می گویند که در همان طبق اول باشد که الان نشان می دهم

حدَّثني أبي رحمه الله عن الحسين بن الحسن بن أبان ، عن الحسين بن سعيد ، عن النَّضر بن سُويد ، عن القاسم بن سليمان ، عن جرَّاح المدائنيّ

این حدیثی ابی رحمه الله می شه طبقه مشایخ

حالا بشمارید بین مشایخ و قاسم چند طبقه هست؟

۵ طبقه فاصله هست ایشون گویا ریاضیش هم ضعیفه که اصلا شمارش بلد نیست بکنه و راوی که در طبقه ۵ هست را جز مشایخ ابن قولویه می داند

این رسوائیش هم نکاینجا

اما در مورد اینکه گفت نام این راوی در بین روات و طبقه ابن قولویه هست لذا ثابت شد که ایشان ثقه هست
اولا به ایشان می گویم ای بی سواد ما سخن از قسم می کنیم و تو سخن از قاسم واقعا فرق بین این دو را نمی فهمی؟

حالا این به جدا، جالب اینجاست که علما همه روایات و راویان ابن قولویه را ثقه نمی دانند زیرا بینشان افرادی هستند که ضعیف بودشان اجماعی هست نزد علما

ابرویی برای خودت نداشتی از خیمه که فراری شدی الحق نام خیمه ترس بر جان شماها می اندازد از نامش می ترسید چه برسه بخواهید با خدامش مناظره کنید

اما ادامه بحث

گفت همه روات ابن قولویه ثقه هست

اولا که اینجا منظور از اصحابنا منظور مشایخ خود ابن قولویه هست ربطش به همه روات چیه که می گویی همش صحیحه؟

پس دوستان دقت کنید این بی سواد کلمه الثقات من اصحابنا رو راویان ثقه معنا کرده حال آنکه منظور از اصحابنا مشایخش هست و نه همه روات

نکته بعدی علما راویان ابن قولویه را تضعیف هم کردن و این موید بر این هست که همه راویانش ثقه نیستن
به عنوان مثال راوی ابن صدقه بننیم سید خوئی در مورد او چه می گوید

ولا يعارضها رواية مسعدة بن صدقه ... أما أولا فلأنها ضعيفة السند بمسعدة لعدم توثيقه في الرجال

کتاب الطهارة - السيد الخوئی - ج ۹ - شرح ص ۱۳

یا مثل این راوی

موسی بن عمر بن یزید بن ذبیان

کتاب الصلاة - السيد الخوئی - ج ۴ - شرح ص ۴۳۷

لكن الثانيةً ضعيفةُ السند فإن موسى بن عمر بن یزید لم یوثق عند القوم

یا این راوی

المعلی بن محمد البصری

کتاب الطهارة - السيد الخوئی - ج ۴ - شرح ص ۴۵۴

كما أن معلی بن محمد أيضا مجهول فالرواية غير قابلة للاعتماد عليها من حيث السند

پس اولاً منظور از ثقات اصحاب منظور مشایخ است

ثانیا

رواتی در بین آن وجود دارد که رجالیون انرا تضعیف کردن که موید بر ثقه بودن تمام روات ان است

اما

در کنار آن چگور می توانیم حکم بر این بکنیم که این قولویه همه روات خود را ثقه دانسته حال آنکه در میان راویانش علاوه بر این روات ضعیف وجود دارد بلکه روات مجهول و مهمل هم وجود دارد که این مطلب اعتقاد ما بر عدم صحت کل روات او را تقویت می کند

در باب صد و هفت آن کتاب آمده است: «حدثني علي بن الحسين بن موسى بن بابويه عن محمد بن يحيى العطار عن بعض اهل الری قال دخلت على ابي الحسن العسكري(ع) فقال اين كنت فقلت زرت الحسين بن علي(ع) فقال اما انك لو زرت قبر عبدالعظيم عندكم لكنت كمن زار الحسين(ع)».

همان طور که می بینید در این روایت نقل از یک راوی شده که اصلاً مجهوله و نه معلوم و ایضا ما راوی را توثیق می کنیم که وضعیت رجالی او در معاجم مشخص باشد نه اینکه مجهول باشد

نمونه دیگر

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ - عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِمْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ « قَالَ : إِنَّ زَائِرَ الْحَسَنِ جَعَلَ ذَنْبَهُ جِسْرًا عَلَى بَابِ دَارِهِ ثُمَّ يَعْبُرُهَا ، كَمَا يَخْلِفُ أَحَدَكُمْ الْجِسْرَ وَرَاءَهُ إِذَا عَبَّرَ [ه] » .

همان طور که می بینید این هم روایتی هست که در آن اصلاً نامی از راوی ذکر نشده و فقط گفته شده از بعضی ها نقل روایت شده

اگر کسی به اندازه ذره ای رجال بداند می داند که مصطلحات عن بعض رجاله یا عن بعض رجل دلالت بر مرسل و مرفوع بودن روایت می کند چون راوی مجهوله و اصلاً شخص معلوم نیست که قابل توثیق باشد

فلذا این ادله قوی هست بر عدم توثیق همه روایات ابن قولویه که منظور از ثقه بودن اصحابش یعنی مشایخش هست و نه کل روایتش که این بنده خدا از جهت علمی فرق بین اصحاب و کل روایت را نمی فهمد

زیرا از هر بی سوادى سوال کنید اصحاب یعنی چى؟ مى گوید اصحاب یعنی كسى كه مصاحبت داشته

حال چگونه بگوئیم همه راویان این کتاب ثقه هستن حال آنکه ایشان فقط با کسانی که مصاحبت داشته با توثیق کرده

خوب

منتظریم

Telegram pishtaz:

افرنی نیمساعت گفتی

ورود نکردم

پانزده دقیقه فقط گاف هاتو میگم

و.موظف ب سکوتی

مدیران با تربیت و عادل گفتمان ثقلین

اجازه ورود ب کسی ندید چون ب عادل بودنتون اعتماد دارم

این شخص ب س (میدوتی یعنی چى)

فرق قسم و قاسم رو نمیدونه

اومده تضعیف قاسم رو آورده

این یک

این دختر نمیداند که ما هم مشایخ با واسطه داریم و هم مشایخ بی واسطه یعنی اگر فلان راوی جزو مشایخ یک راوی دیگر بود حتما به این معنا نیست که هم زمان بوده اند یا در طبقه حدیث بینشان فاصلع نبوده قاسم بن سلیمان از مشایخ با واسطه ابن قولویه بوده ببینید آیت الله نورمفیدی چه میگوید نتیجه اینکه از نظر عملی بین اینکه ارسال توسط خود این سه نفر یا شخص دیگری صورت گرفته باشد فرقی نیست و به طور کلی مسانید و مرسلات این سه نفر (ابن ابی عمیر، صفوان و بزندی) قابل اخذ است و مشایخ این افراد ثقه هستند چه بی واسطه باشند و چه با واسطه

اسکن حذف میشه؟

منشورات مكتبة الرهدى

نفس الفيرمى

لأبي الحسن علي بن إبراهيم الفيرمى رحمه الله

(من اعلام قري ٣ - ٥٤)

صححه وعلق عليه وقدم له
حجة الاسلام العلامة



السيد طيب الموسوي البحراني

الجزء الاول

حقوق الطبع محفوظة



مؤسسة دار الكتاب للطباعة والنشر

قم - ايران

تلفن : ٢٢٥٦٨

حتى برد على الحوض كما صيغها تين - وجمع بين سبأ بنيه - ولا أقول كهاتين - وجمع بين سبأ بنيه والوسطى - فتفضل هذه على هذه « فالقرآن عظيم قدره جليل خطره بين ذكره من عمسك به هدي ومن تولى عنه ضل وزل فأفضل ما عمل به القرآن لقول الله عز وجل لنبيه ﷺ « ونزلنا عليك الكتاب تبياناً لكل شيء، وهدى ورحمة وبشرى للمسلمين » وقال « وأنزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزل إليهم » ففرض الله عز وجل على نبيه ﷺ ان يبين للناس ما في القرآن من الاحكام والقوانين والفرائض والسنة وفرض على الناس التفقه والتعليم والعمل بما فيه حتى لا يسع احداً جهله ولا يعذر في تركه ونحن ذا كرون ومخبرون بما ينتهي اليها ورواه مشايخنا وثقاتنا عن الذين فرض الله طاعتهم وواجب ولايتهم ولا يقبل الا بهم وهم الذين وصفهم الله تبارك وتعالى وفرض سؤالهم والاخذ منهم فقال « فاسألوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون » فعلمهم عن رسول الله وهم الذين قال في كتابه وخطبهم في قوله تعالى « يا ايها الذين آمنوا اركعوا واسجدوا واعبدوا ربكم وافعلوا الخير لعلكم تفلحون وجاهدوا في الله حق جهاده هو اجتبيكم وما جعل عليكم في الدين من حرج ملة ابيكم ابراهيم هو سماكم المسلمين من قبل وفي هذا القرآن ليكون الرسول شهيداً عليكم وتكونوا - انتم يا معشر الأئمة - شهداء على الناس » فرسول الله ﷺ شهيد عليهم وهم شهداء على الناس فالعلم عندهم والقرآن معهم ودين الله عز وجل الذي ارتضاه لأنبيائه وملائكته ورسله منهم يقتبس وهو قول امير المؤمنين عليه السلام « الا ان العلم الذي هبط به آدم عليه السلام من السماء الى الأرض وجميع ما فضلت به النبيون الى خاتم النبيين عندي وعند غيره خاتم النبيين فابن يتاه بكم بله وقال ايضاً امير المؤمنين عليه السلام في خطبته « ولقد علم المستحفظون من اصحاب محمد عليه السلام انه قال انى واهل بيتي مطهرون فلا نسبقوم فتضلوا ولا تتخلفوا عنهم فترلوا ولا تخالفوهم فتجهلوا ولا تعلموهم فانهم اعلم منكم

این شخص از راویان تفسیر قمی بوده و روایت در تفسیر قمی هست

ببخشید نت قطع میشه

ما ادله مختلفی داریم بر اینکه منظور ابن قولویه فقط اساتید خودش نبوده بلکه تمام روایت موجود در اسناد ابن قولویه ثقه هستند کسی که در اسناد کامل الزیارات واقع بشه صرف نظر از مجهول بودن یا نبودن وقوعش در سند دلیلی بر وثاقت او هست جناب سید عباس بیسوادى شما منو رنج میده، افراد زیادی در بحث توثیقات عام مجهول بودند اما به علت وقوع در اسناد کامل الزیارات یا تفسیر قمی یا روایت اصحاب اجماع از اونها ثقه به حساب میان

محدث نوری تو خاتمه مستدرک الوسائل میگه هزاران حدیث غیر صحیح به این وسیله تصحیح میشن
فإنه من مهمات هذا الفن ، إذ على بعض التقادير تدخل آلاف من الأحاديث الخارجة عن حریم الصحة إلى حدودها ، أو یجری علیها حکمها

"از مباحث مهم رجال مبحث اصحاب اجماع است؛ زیرا طبق برخی از برآوردها هزاران حدیثی که صحیح قلمداد نمی شوند به یمن همین بحث، صحیح یا در حکم صحیح تلقی خواهند شد"

محدث نوری، خاتمه مستدرک الوسائل جلد ۷ ص ۷

اما این بیسواد میگه منظور از مشایخ فقط مشایخ دست اول ابن قولویه هستند

دخترم دوباره مقدمه کامل الزیاراتو بخون

ابی القاسم جعفر بن قولویه در مقدمه کتاب می-گوید: «و لم أخرج فيه حديثاً رؤى عن غيرهم إذا كان فيما رَوينا عنهم من حديثهم (صلوات الله عليهم) كفايةً عن حديث غيرهم و قد علمنا أن لا نحيطُ بجميع ما روى عنهم [في] هذا المعنى و لا فى غيره لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من اصحابنا (رحمهم الله برحمته) و لا أخرجت فيه حديثاً رؤى عن الشذاذ من الرجال [في] يؤثر ذلك عنهم عن المذكورين غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث و العلم» عمده این

جمله است که ایشان در مقدمه می-گوید: وقتی روایت و حدیث از ائمه معصومین (ع) برای ما کافی است دلیلی وجود ندارد که از دیگران روایت نقل کنیم ولی تأکید می-کند که: «لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من اصحابنا (رحمهم الله برحمته)...»، ما وقع به معنای ما وصل است؛ یعنی آنچه که از ناحیه ثقات از اصحاب

به ما رسیده نقل می-کنیم؛ یعنی در واقع شهادت می-دهد که روایات کتاب او از ناحیه ثقات نقل شده و او از شذاذ الرجال روایت نقل نکرده است.

به همون خدایی که اعتقاد داری والا اگه بدونی توثیق عام به چی میگن بچه

بچه رفتی از سند کامل الزیارات آدمای مجهولو آوردی

ببینید آیت الله جعفر سبحانی چی میگه

المراد من « تصحیح ما یصحّ » هو الحکم بصحّة روایات هؤلاء بالمعنی المعروف عند القدماء ، و هو الاطمئنان بصدق روایاتهم من دون توثیق لمشايخهم ، وهذا مبنيّ علی أن المراد من « الموصول » هو نفس المروى والحديث ، فاذا صحّ المروى إلى هؤلاء فيحکم بصحته وان كان السند مرسلأ أو مشتملأ علی مجهول أو ضعيف فيعمل به

مقصود صحیح شمردن مرویات آنان است؛ یعنی تمام روایاتی که اصحاب اجماع نقل کرده‌اند، صحیح و صادر شده از ائمه (علیه‌السلام) بدانیم، حتی اگر روایت نقل شده فاقد اتصال سند، یا مجهول و یا ضعیف باشد

کلیات فی علم الرجال نویسنده : الشیخ جعفر السبحانی جلد : ۱ صفحه : ۱۸۷

خب سید دخترم اول مشخص اگه قسم بن سلیمانہ چرا تضعیف قاسم رو آوردی اینو هنوز مشخص نکردی

جواب تصحیح کل تفسیر قمی توسط خوبی رو ندادی

نقل کامل الزیارات و تفسیر قمی و دوتا از اصحاب اجماع از این راوی رو ندادی

اصلا فرق مشایخ با واسطه و بی واسطه رو نمیدونی

شیخ حر عاملی:

و قال صاحب الوسائل : وأنها مرویة عن الثقات عن الائمة

صاحب وسائل نیز می گوید کتاب علی بن ابراهیم از ثقات از ائمه نقل شده است

الوسائل : ۲۰ / ۶۸ ، الفائدة السادسة.

صاحب وسائل نیز تمام روایات تفسیر قمی رو ثقه میدونن

اعتراف شیخ جعفر سبحانی به صحت تمام روایات تفسیر قمی

و وثاقت تمام مشایخ و روایتی که در اسناد روایات قرار گرفته اند

روایاته ثابتة و صادره من المعصومین ع، و أنها انتهت إليه بوساطة المشایخ و الثقات من الشيعة.

تمام روایات او ثابت هست و از معصومین صادر و در اسنادش بزرگان و معتمدین شیعه هستند

کلیات فی علم الرجال نویسنده : الشیخ جعفر السبحانی جلد : ۱ صفحه : ۳۰۹

ببینید آیت الله نورمفیدی چه میگوید نتیجه اینکه از نظر عملی بین اینکه ارسال توسط خود این سه نفر یا شخص دیگری صورت گرفته باشد فرقی نیست و به طور کلی مسانید و مرسلات این سه نفر (ابن ابی عمیر، صفوان و بزطی) قابل اخذ است و مشایخ این افراد ثقه هستند چه بی واسطه باشند و چه با واسطه

سید عباس

خوب بسم الله

خوب دوستان عزیز من همان طور که مشاهده نمودید این بی سواد از اول همان بحث ما شروع به فرار کرد تا الان

مروری می کنیم بر مطلب

خوب پس تا اینجا ثابت شد این روای هیچ توثیقی ندارد این اولاً

ثانیاً عمو جان هر گردی گردو نیست و هر سیبیلویی بابا نیست

شما خودت سند روایت رو مطالبه کردی و ما هم سند رو دادیم

حالا ادامه رو بخوان

رفقا سند روایت رو بار دیگر ارسال می کنم

علی بن ابراهیم القمی - تفسیر القمی - الجزء : (۱) - رقم الصفحة : (۳۴)

- قال : وحدثنی : أبی ، عن النضر بن سوید ، عن القسم بن سلیمان ، عن المعلى بن خنیس ، عن أبی عبد الله (ع) أن هذا المثل ضربه الله لأمیر المؤمنین (ع) فالبعوضة أمیر المؤمنین (ع) وما فوقها رسول الله (ص).

ما سخن از قسم بن سلیمان می کنیم این بنده خد سخن از قاسم می کنه فکر کرده هر کسی تو اسم ق و س م باشه یکی هستن

بابا یکی قاسم هست و یکی قسم برو اول فرق بین این دو روایت را بخوان تا بعدا بیایی بحث کنی
ثانیا گفتیم این راوی مجهول هست و جهلات را با توثیق عام نمی توان دارای تعدیل کرد زیرا چنین راوی
در رجال و تراجم تعریفی ندارد

همان طور که علما گفتن این راوی مجهوله

المحقق الأردبیلی - مجمع الفائدة - الجزء : (٢) - رقم الصفحة : (٨٦)

- قال المحقق الأردبیلی قدس سره فی مسائل اللباس فی روایة لبس الدیاج : (ویکره لبس الحریر) مع أنه
حرام كما مر ، علی أن السند لیس بصحیح ، لوجود قاسم بن سلیمان المجهول.

و علمای دیگر هم گفتن این راوی توثیقی ندارد

المحقق السبزواری - ذخیره المعاد - الجزء : (٢) - رقم الصفحة : (٢٢٨)

- وقال المحقق السبزواری عند ما تعرض للباس القمیص المكفوف بالدیاج : وهذه الروایة غیر تقی السند لأن
جراح غیر موثق ، وكذا الراوی عنه وهو القسم بن سلیمان.

حالا راوی که مجهوله و توثیق نداره این می خواهد توثیق عام بیاره برای کی؟ برای یک راوی که ربطی به
مطلب ما ندارد

اما برویم سر ادامه این راوی

اقای قاسم که ایشون ازش سخن گفتن راوی هست که نقل روایت از امام صادق داشته یعنی مرویات او
مستقیم از امام صادق بوده

حال انکه راوی که ما آوردیم آقای قسم بن سلیمان او یک طبقه با امام صادق فاصله داشته و هر جاهلی هم
می داند اصلا طبقه راوی ما با راوی این اتئیست یکی نیست بعدا چطوری این رو را یکی کرده؟

این رسوایی تا اینجا که اصلا بفهد این دو راوی یکی نیستن

دوستان گرامی مطلب اول بر این بود که راوی مورد بررسی ایشون اصلا ربطی به روایت ما ندارد و ایشون هر
کسی که گفتیم ق و س و م سلیمان داشت رو یکی می بینه

حالا عینک را بزرگ تر می کنیم شاید ایشان چیزی ببندند

بریم از این رسوایی در ادامه شروع کنیم

این بنده خدا امد گفت که ما دو نوع مشایخ داریم یکی بی واسطه یکی با واسطه خوب نتیجه چه گرفت؟
نتیجه بر این گرفت مشایخ ابن قولویه بدون واسطه و با واسطه اش همگی از ثقات هستن

بابا تو که سواد نداری مجبوری بیایی بحث کنی؟

منظور از مشایخ اصحابنا اینجا مشایخ ثقات هست

بابا تو که نمی دانی مشایخ ثقات چیه زورت نکردن که کپی پیست تحویل مردم بدی بعد چنگ به ارشیوی
بزنی که اینطوری ابرویت را ببرد

رفقا ما یک بار دیگه مطلب ابن قولویه را می اوریم و بنیم علما چی گفتن تا اصعقه های سنگین را بر
رئوس اتئیست ها چون وهابیت فرود بیاوریم

Telegram pishtaz:

ابن قولویه در دیباچه‌ی کامل الزیارات چنین می‌نویسد:

«و قد علمنا بانا لانحیط بجمیع ما روی عنهم فی هذا المعری و لا فی غیره لکن ما وقع لنا من جهة [۱] الثقات
من اصحابنا [۲] رحمهم الله برحمته، و لا أخرجت فیه حدیثاً روی عن الشذاذ من الرجال یؤثر ذالک عنهم عن
المذکورین غیر المعروفین بالروایه المشهورین بالحدیث و العلم...» دانستیم که احاطه بر همه آنچه از ائمه
علیهم السلام روایت شده، مشکل است؛ ولی روایاتی را آوردیم، که از [۳] راویان ثقه [۴] به دست ما رسیده باشد
و راویان آن شاذ و ناشناخته نباشند.

سید عباس

خوب دقت کنید ابن قولویه گفته مشایخ اصحابنا اما منظور از مشایخ اصحابنا در اینجا چیه؟

بدبختی اینجاست که اصلاً تو در مورد قاسم حرف می زنی نه قسم

این پیام من به تو بوده که فرقش را نمی دانی و ابرویت را بردیم و از قسم فرار کردی رفتی سر قاسم

حالا رفقا بزارید ادامه بدهیم

این بنده خدا با شانتاژ کاری می خواهد سیاه نمایش را ماست مالی کنه

ادامه می دهیم

خوب بنیم منظور از ثقات اصحابنا تمامی مشایخ است یا مشایخ الثقاتش هست تا آموزش رجالی دیگو بر این بی سواد بدهیم

خوب بنیم علما چه گفته اند

السید محمد علی الأبطحی از رجالیون شیعه هست بنید چگونه صاعقه می زند

قلت: وقوع أحاديث المعصومين (عليهم السلام) إلى ابن قولويه ونظائره من مشايخ الحديث من جهة الثقات، أما بكون جميع رواياتها ثقات، وهو بعيد وخلاف لظاهر الكلمات ولسيره ابن قولويه والمشايخ، وإن توهمه بعض المفرطين، وأما بالسماع والرواية من المشايخ الثقات خاصة تعويلا عليهم، كما هو طريقة كثير من مشايخ الحديث من الإحتراز عن الرواية عن لا يعرف أو يطعن فيه، إلا مع الواسطة

سید چنین می گوید

اما اینکه گفته می شود همه راویان کتابش ثقه هست این مسئله بعید است و خلاف ظاهر سخن او و

همچنین سیره ابن قولویه و مشایخش و همچنین این مسئله توهم بعضی از مفرطین است

سید ابطحی کاملا واضح و صریحا می فرماید منظور از این مشایخ ، مشایخ ثقات است و واضح تصریح می کند من مشایخ من جهة الثقات و در ادامه هم سخن از مشایخ ثقات کرده و نه جمیع مشایخ

یکی به این بنده خدا بگوید بابا تو امدی اینجا سخن از توثیق عام و مشایخ می کنی که هنوز نفهمیدی

منظور از توثیق عام در کلام ابن قولویه مشایخ ثقاته نه جمیع مشایخ

حالا ادامه صاعقه سید ابطحی رو بنید

ولا ريب في دلالة كلام ابن قولويه على وثاقه كل من روى عنه بلا واسطة، فإنها المتيقن من مدلوله، بل كلامه نص في ذلك، فكل من وقفنا على رواية ابن قولويه عنه نحكم بوثاقته بهذا التوثيق العام لمشاخه وإن لم يصرح بتوثيق أو مدح في كتب الرجال،

صاعقه رو بخور اتئیست حالش رو ببر

هیچ شکی نیست در دلالت کلام ابن قولویه مبنی بر وثاقت همه راویان بدون واسطه اش (منظور وثاقت مشایخ خود ابن قولویه) لذا منظور از کلام ابن قولویه هم همین است بلکه اگر بگویم همه روایت ها صحیح هست در حالی که دلیلی بر وثاقت آنها و همچنین تصریحی به به وثاقت و یا مدح بعضی از روایت های آنها نیست

سید ابطحی صاعقه می زند که سر نتوانی بلند کنی

ایشان در پایان تصریح می کند کلام ابن قولویه مربوط به مشایخ بدون واسطه اش یعنی مشایخ ثقاتش هست نه جمیع مشایخش

نام کتاب : تهذیب المقال نویسنده : السید محمد علی الأبطحی جلد : ۴ صفحه : ۵۰۶

این هم منبع

پس تا اینجا به این بی سواد یاد دادیم منظور از مشایخ چه مشایخش هست و منظور از توثیق عام بر کدام مشایخ مترتب است

اما ادامه بحث

خوب ما ادله ای را ذکر کردیم و به عنوان موید آوردیم

که این اثیست جرات نکرد به آنها نگاهی بیندازد و فرار کرد و مجدد آنها را می اوریم

نکته بعدی علما راویان ابن قولویه را تضعیف هم کردن و این موید بر این هست که همه راویانش ثقه نیستن

به عنوان مثال راوی ابن صدقه بنیم سید خوئی در مورد او چه می گوید

ولا یعرضها رواية مسعدة بن صدقه ... أما أولا فلأنها ضعيفة السند بمسعدة لعدم توثيقه في الرجال

کتاب الطهارة - السید الخوئی - ج ۹ - شرح ص ۱۳

یا مثل این راوی

موسی بن عمر بن یزید بن ذبیان

کتاب الصلاة - السید الخوئی - ج ۴ - شرح ص ۴۳۷

لكن الثانية ضعيفة السند فإن موسى بن عمر بن يزيد لم يوثق عند القوم

یا این راوی

المعلی بن محمد البصری

کتاب الطهارة - السید الخوئی - ج ۴ - شرح ص ۴۵۴

کما أن معلى بن محمد أيضا مجهول فالرواية غير قابلة للاعتماد عليها من حيث السند

پس اولاً منظور از ثقات اصحاب منظور مشایخ است

ثانياً

روایاتی در بین آن وجود دارد که رجالیون آن را تضعیف کردن که موید بر ثقه بودن تمام روات آن است

اما

در کنار آن چطور می توانیم حکم بر این بکنیم که ابن قولویه همه روات خود را ثقه دانسته حال آنکه در میان روایانش علاوه بر این روات ضعیف وجود دارد ببلکه روات مجهول و مهمل هم وجود دارد که این مطلب اعتقاد ما بر عدم صحت کل روات او را تقویت می کند

در باب صد و هفت آن کتاب آمده است: «حدثني علي بن الحسين بن موسى بن بابويه عن محمد بن يحيى العطار عن بعض اهل الرى قال دخلت على ابي الحسن العسكري (ع) فقال اين كنت فقلت زرت الحسين بن علي (ع) فقال اما انك لو زرت قبر عبدالعظيم عندكم لكنت كمن زار الحسين (ع)».

همان طور که می بینید در این روایت نقل از یک راوی شده که اصلاً مجهوله و نه معلوم و ایضا ما راوی را توثیق می کنیم که وضعیت رجالی او در معاجم مشخص باشد نه اینکه مجهول باشد

نمونه دیگر

۱ - حدثني محمد بن الحسن بن الوليد ، عن محمد بن الحسن الصفار ، عن الحسن بن موسى الخشاب عن بعض رجاله عن أبي عبدالله « قال : إن زائر الحسين جعل ذنوبه جسراً على باب داره ثم يعبرها ، كما يخلف أحدكم الجسر وراءه إذا عبّر [ه] ».

همان طور که می بینید این هم روایتی هست که در آن اصلاً نامی از راوی ذکر نشده و فقط گفته شده از بعضی ها نقل روایت شده

اگر کسی به اندازه ذره ای رجال بداند می داند که مصطلحات عن بعض رجاله یا عن بعض رجل دلالت بر مرسل و مرفوع بودن روایت می کند چون راوی مجهوله و اصلاً شخص معلوم نیست که قابل توثیق باشد

فلذا این ادله قوی هست بر عدم توثیق همه روات ابن قولویه که منظور از ثقه بودن اصحابش یعنی مشایخش هست و نه کل روایتش که این بنده خدا از جهت علمی فرق بین اصحاب و کل روات را نمی فهمد

نکته بعدی اینجاست که باید این بی سواد بدانند این قاعده مربوط به اصحاب اجماع هست ربطش به روایاتی که در کامل الزیارات هست و آن روایات مجهول از مرویات اصحاب اجماع نیست در چیه؟

ما گفتیم در روایات ابن قولویه راویانی هست که آن راویان اصلاً منقول از اصحاب اجماع نبوده و مجهول هستن و این ادله ما را تقویت می کند بر عدم توثیق تمامی راویان این کتاب که نمونه باز هم عرض می کنم در این روایت دو راوی مجهول وجود دارد که راوی قبل این دو اصلاً از اصحاب اجماع نیست چطور می شما می خواهی با قاعده اصحاب اجماع همه راویان کتاب کامل الزیارات رو توثیق کنی؟

قاعده از جیب ابوهریره می اوری؟

حدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ خَفْصِ الْمَرْزُوقِيِّ - عَنِ الرَّجُلِ - « قَالَ : تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ : « السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَمَيِّتًا » .

خوب رفقا می بینید که در این روایت دو راوی به طور کلی مجهول هستن و اصلاً قاعده اصحاب اینجا به تنها وارد نیست بلکه اساساً مبنای این اتئیست را هم بر باد می دهد

و همان طور که سید ابطحی و بقیه علما تصریح کردن که همه روایات ابن قولویه ثقة نیستن و منظور از ثقات اصحابنا به مشایخ ثقات او بر می گردد و نه جمیع مشایخ او

اما گفتید این شخص از راویان تفسیر قمی هست و همه روایات تفسیر قمی صحیح هست

کمرت شکست در این راند من چیزی برایت باقی نداشتیم که مطلب بزنی

خوب دوستان عزیز من ایشون گفتن همه روایات تفسیر قمی صحیح هست

در پاسخ می گوئیم اولاً همه روایات کتاب تفسیر قمی برای ایشون ثابت نیست که بخواید همش صحیح باشه

چون از ایت الله سبحانی مطلب زدی من هم به تو دهنی از ایشان به شما می زنم که کیف کنی

شیخ جعفر سبحانی نیز مینویسد که تفسیر علی بن ابراهیم قابل اعتماد نیست و دارای شذوذ بسیاری

است

ثم إن الاعتماد على هذا التفسير بعد هذا الاختلاط مشكل جدا، خصوصا مع ما فيه من الشذوذ في المتن .

کلیات فی علم الرجال ج ۱ ص ۳۱۶ ناشر : مؤسسۃ النشر الاسلامی

ایت الله العظمی سبحانی یک صاعقه ای سنگین می زند مبنی بر اینکه همه روایات کتاب تفسیر قمی برای ایشان نیست

پس حداقل چیزی که در مورد کلام قمی می توان گفت اینه ان بخشی مطالب از ان او صحیح هست که مربوط به خود ایشانه و نه اقوال شاذ فلذا سناریو صحت کل متونش هم باطله

اما یک مطلبی از کمال حیدری آورد که در پاسخ می گوئیم کمال حیدری اقوالش نزد ما هیچ ارزشی ندارد زیرا نزد مراجع ارزش نداشته

ایت الله العظمی میلانی این حیدری رو فرد جاهلی می داند

ادعای سست پایه کمال حیدری:

مقطع آخر زیارت عاشوراء از قرن هفت یا هشت به آن افزوده شده است!!!

جوابیه حضرت آیت الله سید علی میلانی دام ظلّه:

باسمه تعالی

سلام علیکم

این قطعه از زیارت عاشوراء قبل از قرن هفت و هشت هم در کتب و مصادر معتبر بوده است و علمای ما از هزار سال پیش آن را در زیارت عاشوراء (یا در آن کتاب های معتبر) می خواندند.

و تشکیک در سند یا متن زیارت عاشوراء لا اقل (یعنی در حالت خوش بینانه) از جهالت است. والله المستعان.

خوب دوستان گرامی من

یک بار دیگر مرور می کنیم

اولا راوی که ما در روایت این اثیست بیرون کشیدیم آقای بود به نام قسم که این اثیست برای اینکه از روایت ضعیف خود دفاع کنه ایشان را جایه قاسم به ملت جا زدن این رسوایی اول

رسوای بعد بر این بود که راوی جمیع روایات ابن قولویه ثقه و صحیح نیست لذا نمی توان حکم به توثیق جمیع روایتش کرد

بعد گفتیم روایت کتاب تفسیر ابراهیم همه برای او نیست لذا ثابت شد که همه روایت و روایانش صحیح و ثقه نیستن

نکته بعدی عدم فهم این بنده خدا در کلام عالم یعنی ابن قولویه بوده که نمی دانسته مشایخ الثقات چیه و اما مطالب در این باره من زیاد دارم

و به عنوان صاعقه ای دیگر

از کتاب تفسیر البرهان مطلب زیبا می اورم که صاعقه را تکمیل می کنه که منظور از این روایت را مشخص می کنه چیه

از امام(ع) پرسیدند: برخی از شیعیان و دوستان شما گمان می کنند که آن ((بعوضه)) در سوره بقره، آیه ۲۶، علی(ع) است و ((مافوقها)) که ذباب و مگس باشد پیامبر(ص) است!

حضرت توضیح داد:

((سمع هولاً شيئاً لم يضعوه علي وجهه، انما كان رسول الله(ص) قاعدا ذات يوم هو و علي(ع) اذ سمع قائلاً يقول: ماشاء الله و ماشاء محمد، و سمع آخر يقول: ما شاء الله و ما شاء علي فقال رسول الله(ص): لا تقرنوا محمداً و علياً بالله عز و جل و لكن قولوا: ماشاء الله ثم ما شاء محمد ماشاء الله ثم ما شاء علي.

ان مشيئه الله هي القاهره التي لاتساوي و لا تكافئ و لا تداني، و ما محمد رسول الله(ص) في الله و في قدرته الا كذبابه تطير في هذه الممالك الواسعه، و ما علي في الله و في قدرته الا كبعوضه في جمله هذه الممالك..

آنان چیزی شنیدند ولی درست نفهمیدند، روزی حضرت رسول(ص) با علی(ع) نشستند، شنیدند، گوینده ای می گفت: ((هر چه خدا بخواهد و هر چه محمد بخواهد] پدید می آید] و دیگری می گفت: هر چه خدا بخواهد و هر چه علی بخواهد] رخ می دهد).

حضرت رسول(ص) فرمود: محمد و علی را در ردیف خداوند قرار ندهید و به صورت جداگانه بگویید: هر چه خدا خواست و سپس هر چه محمد خواست، یا به طور جداگانه بگویید: هر چه علی خواست...

زیرا مشیت و خواست خدا است که قاهر و غالب است به گونه ای که هیچ چیز مساوی و نظیر و معادل و نزدیک به آن نیست و محمد که پیامبر خدا است در مقایسه با خدا و قدرتش جز مگس نیست که در این

کشورهای گسترده به پرواز در آید و علی در کنار خدا و قدرتش جز پشع ای که در این جهان پهناور پرواز کند، بیش نیست

خوب

ما منتظر خواهیم ماند از این همه رسوایی علمی دفاع کنید

البته سر قسم بحث کن نه قاسم

Telegram pishtaz

خب

حالا منتظر توی دهنی باش و صاعقه های خرد بر سر بیسوادت

اول اینکه

شما گاف دادی و دوساعت در مورد قاسم حرف زدی

و اما بعد توی دهنی ها رو بشمارید فقط یکی این دخترک سید عباس رو جمع و جور کنه

اعتراف شیخ جعفر سبحانی به صحت تمام روایات تفسیر قمی

و وثاقت تمام مشایخ و روایتی که در اسناد روایات قرار گرفته اند

روایاته ثابتة و صادره من المعصومین ع، و أنها انتهت إليه بوساطة المشایخ و الثقات من الشیعة.

تمام روایات او ثابت هست و از معصومین صادر و در اسنادش بزرگان و معتمدین شیعه هستند

کلیات فی علم الرجال نویسنده : الشیخ جعفر السبحانی جلد : ۱ صفحه : ۳۰۹

دخترکم بحث با تو بی فایده هست چیزایی که جواب ندادی تلنبار شده بیهیبت نورمفیدی با دفاع از خویی
چطور رو سرت صاعقه میزنه، آیت الله نورمفیدی:

شاهد دوم: شاهد دوم این است که می گویند اگر قرار بر توثیق مشایخ به تنهایی باشد، معنایش این است که
مشایخ ثقة هستند اما سایر روات ثقة نبوده و ضعیف هستند که در این صورت توثیق مشایخ به تنهایی فایده
ای ندارد چون روایتی که در نقل آن روایت فقط بعضی از اشخاص ثقة باشند و آن-هم مشایخ باشند؛ یعنی

کسانی که مستقیماً روایت را برای ابن قولویه نقل کرده باشند و بقیه ثقه نباشند مشکل پیدا می-کند و قابل اعتماد نیست.

بالا تر دیدیم که زیر بار نقل خوبی و صاحب وسائل و سید بحرالعلوم و .. جعفر سبحانی نرفته دیگه کمال حیدری چیزی نیست که این بیسواد بخواد ردش کنه، دوست عزیز ما دیدگاه شیعه برامون مهمه اگر تو علمات رو قبول نداری برو یه فرقه جدید راه بنداز

سید عباس

بسم الله

رفقا همان طور که از اول مناظره دیدید ما همان ابتدا طور صاعقه زدیم که این بنده خدا ابرویی برایش نماند تا اینکه در راند اخر فهمید چه گافی داد

ماجرا از این قرار بود اثیست از من سند روایتی که در ان در مورد پشه صحبت شده را مطالبه کرد و بنده هم سند را ارائه کردم

علی بن ابراهیم القمی - تفسیر القمی - الجزء : (۱) - رقم الصفحة : (۳۴)

- قال : وحدثني : أبي ، عن النضر بن سوید ، عن القسم بن سليمان ، عن المعلى بن خنيس ، عن أبي عبد الله (ع) أن هذا المثل ضربه الله لأمير المؤمنين (ع) فالبعوضه أمير المؤمنين (ع) و ما فوقها رسول الله (ص).

سپس در همان ابتدای مناظره ابرویی برایش نداشتیم نگاه کنید چه گفتم

ما سخن از قسم بن سلیمان می کنیم این بنده خد سخن از قاسم می کنه فکر کرده هر کسی تو اسم ق و س م باشه یکی هستن

بابا یکی قاسم هست و یکی قسم برو اول فرق بین این دو روات را بخوان تا بعدا بیایی بحث کنی

خوب این ابتدای مناظره ما بود وقتی این صاعقه رو دید باورش نمی شد

باورش نشد چه گافی داده چرا؟ چون مطالبی که برای ما ارسال کرد تحقیقی نبوده بلکه تقلیدی و کپی پیست بوده بعد اخر مناظره تازه فهمیده قافیه رو به سید عباس باخته بینی چی می گه

Telegram pishtaz:

اول اینکه

شما گاف دادی و دوساعت در مورد قاسم حرف زدی

سید عباس

این بنده خدا اصلا از اول مناظره صاعقه اینقدر سنگین بوده اصلا حرف ما رو نفهمیده، ما همان اولش گفتیم
راوی روایت ما قسم هست که مجهوله تو داری از قاسم سخن می گویی

بعدا اخر مناظره می گه منه سید عباس از قاسم گفتم

بابا جون سید عباس به من بگو چی زدی داداش؟ حالت خوبه؟

من اولش گفتم راوی روایت قسم بن سلیمان تو از قاسم می گی؟

این تازه یادش اومده سید عباس ابروم رو برد راوی روایت قسم هست و من از قاسم می گویم

خوب مرور می کنیم

ما گفتیم راوی روایت قسم هست که او مجهول و ضعیف هست و توثیقی ندارد

المحقق الأردبیلی - مجمع الفائدة - الجزء : (۲) - رقم الصفحة : (۸۶)

- قال المحقق الأردبیلی قدس سره فی مسائل اللباس فی روایة لبس الدیاج : (ویکره لبس الحریر) مع أنه
حرام كما مر ، علی أن السند لیس بصحیح ، لوجود قاسم بن سلیمان المجهول.

المحقق السبزواری - ذخیره المعاد - الجزء : (۲) - رقم الصفحة : (۲۲۸)

- وقال المحقق السبزواری عند ما تعرض للباس القميص المكفوف بالديجاج : وهذه الرواية غير تقى السند لأن
جراح غير موثق ، وكذا الراوی عنه وهو القسم بن سلیمان.

من صاعقه اخری رو دارم می زنم بحث جمع می شه چون دیدم دیگه جچیزی نداشت

خوب ما ثابت کردیم اصلا این روایت جدای از جهالت راوی که دارد از نظر سند ابن سلیمان بلکه او توثیقی
هم ندارد

بعد هم ادله مختلفی را متذکر شدیم

که البته در پایان گفتیم اصل متن روایت چه هست و ماجرا از چه قراره

از امام (ع) پرسیدند: برخی از شیعیان و دوستان شما گمان می کنند که آن ((بعوضه)) در سوره بقره، آیه ۲۶، علی (ع) است و ((ما فوقها)) که ذباب و مگس باشد پیامبر (ص) است!

حضرت توضیح داد:

((سمع هولاً شيئاً لم يضعوه على وجهه، انما كان رسول الله (ص) قاعدا ذات يوم هو و على (ع) اذ سمع قائلاً يقول: ماشاء الله و ماشاء محمد، و سمع آخر يقول: ما شاء الله و ما شاء على فقال رسول الله (ص): لاتقرنوا محمدا و عليا بالله عز و جل و لكن قولوا: ماشاء الله ثم ما شاء محمد ماشاء الله ثم ما شاء على.

ان مشيئه الله هي القاهره التي لاتساوى و لا تكافى و لا تدانى، و ما محمد رسول الله (ص) في الله و في قدرته الا كذبابه تطير في هذه الممالك الواسعه، و ما على في الله و في قدرته الا كبعوضه في جمله هذه الممالك..

آنان چیزی شنیدند ولی درست نفهمیدند، روزی حضرت رسول (ص) با علی (ع) نشسته بودند، شنیدند، گوینده ای می گفت: ((هر چه خدا بخواهد و هر چه محمد بخواهد [پدید می آید] و دیگری می گفت: هر چه خدا بخواهد و هر چه علی بخواهد [رخ می دهد].

حضرت رسول (ص) فرمود: محمد و علی را در ردیف خداوند قرار ندهید و به صورت جداگانه بگویید: هر چه خدا خواست و سپس هر چه محمد خواست، یا به طور جداگانه بگویید: هر چه علی خواست...

زیرا مشیت و خواست خدا است که قاهر و غالب است به گونه ای که هیچ چیز مساوی و نظیر و معادل و نزدیک به آن نیست و محمد که پیامبر خدا است در مقایسه با خدا و قدرتش جز مگس نیست که در این کشورهای گسترده به پرواز در آید و علی در کنار خدا و قدرتش جز پشه ای که در این جهان پهناور پرواز کند، بیش نیست

که این مطلب بالا دیگه تمام رشته های این اتئیست را پنبه کرد

بعد در ادامه اتئیست امد ادعا کرد که روایت از روات ابن قولویه هست و ایضا کتاب تفسیر قمی که در پاسخ گفتیم طبق نظر علما این راویان این کتاب ضعیف هست و آنچه که مربوط به توثیق روات هست مربوط به مشایخ ثقات است یعنی مشایخ بدون واسطه

السید محمد علی الأبطحی از رجالیون شیعه هست بنید چگونه صاعقه می زند

قلت: وقوع أحاديث المعصومين (عليهم السلام) إلى ابن قولويه ونظائره من مشايخ الحديث من جهة الثقات، أما بكون جميع رواتها ثقات، وهو بعيد وخلاف لظاهر الكلمات ولسيره ابن قولويه والمشايع، وإن توهمه بعض

المفرطين، وأما بالسمع والرواية من المشايخ الثقات خاصة تعويلا عليهم، كما هو طريقة كثير من مشايخ الحديث من الإحتراز عن الرواية عن لا يعرف أو يطعن فيه، إلا مع الواسطة

اما اینکه گفته می شود همه راویان کتابش ثقه هست این مسئله بعید است و خلاف ظاهر سخن او و همچنین سیره ابن قولویه و مشایخش و همچنین این مسئله توهیم بعضی از مفرطین است

ولا ريب في دلالة كلام ابن قولويه على وثاقه كل من روى عنه بلا واسطة، فإنها المتيقن من مدلوله، بل كلامه نص في ذلك، فكل من وقفنا على رواية ابن قولويه عنه نحكم بوثاقته بهذا التوثيق العام لمشاخه وإن لم يصرح بتوثيق أو مدح في كتب الرجال،

هیچ شکی نیست در دلالت کلام ابن قولویه مبنی بر وثاقت همه راویان بدون واسطه اش (منظور وثاقت مشایخ خود ابن قولویه) لذا منظور از کلام ابن قولویه هم همین است بلکه اگر بگویم همه روایت ها صحیح هست، در حالی که دلیلی بر وثاقت آنها و همچنین تصریحی به به وثاقت و یا مدح بعضی از روایت های آنها نیست.

نام کتاب : تهذیب المقال نویسنده : السید محمد علی الأبطحی جلد : ۴ صفحه : ۵۰۶

بعد هم گفتیم در میان روات ابن قولویه راویانی هست که مجهول الهویه هستن که موید بر ضعف تمامی روات ان دارد

بعد اتئیست در پاسخ برای کمرنگ شدن رسوایش گفت راویانی که مجهول هستن مرویات از اصحاب اجماع هست که موید بر وثاقتش هست که در پاسخ گفتیم مطلب ذیل را نشان بدهید که کجایش اصحاب اجماعه هست

حدَّثني حكيم بن داود ، عن سلمة بن الخطاب ، عن علي بن محمد - عن بعض أصحابه - عن سليمان بن حفص المروزي - عن الرجل - « قال : تقول عند قبر الحسين: « السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ ، وَصَلَى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَمَيِّتًا .»

خوب رفقا می بینید که در این روایت دو راوی به طور کلی مجهول هستن و اصلا قاعده اصحاب اینجان تنها وارد نیست بلکه اساسا مبنای این اتئیست را هم بر باد می دهد

و همان طور که سید ابطحی و بقیه علما تصریح کردن که همه روایات ابن قولویه ثقه نیستن و منظور از ثقات اصحابنا به مشایخ ثقات او بر می گردد و نه جمیع مشایخ او

باز هم ایشون پاسخی نداد و فرار کرد

در پایان دوباره اشاره کرد به وثاقت کل روایات تفسیر قمی که گفتیم اولاً همه روایات این کتاب منصوب به ایشون نیست و حداقل چیزی که می توان گفت روایاتی مربوط به ایشان صحیح هست که جالبه در این کتاب، روایاتی هست که باز هم روایتش مجهوله و از غیر اصحاب اجماع نقل شده

فانه حدثنی ابی عن بعض رجاله یرفعه إلی ابی عبدالله

کل سند باطله و ضعیفه و مرسله

فانه حدثنی ابی عن علی بن مهزیار عن علاء (بن ط) المكفوف عن بعض اصحابه عن ابی عبدالله (

فانه حدثنی ابی عن بعض اصحابه یرفعه إلی الاصبغ بن نباتة

وحدثنی ابی عن الحسین بن سعید عن بعض رجاله عن ابی عبدالله

اینها بعضی از آن چیزی هست که ما در چند سال پیش جستار زدیم و ارسال کردیم

و شما دیدید

بسیاری از روایات این کتاب مجهول هستن و از طرفی روایات اصحاب اجماع هم نیست که بگویم مجهول هم باشه ثقه هست

حال بماند که خود تفسیر قمی همش مال ایشون نیست

البته این فقط در مورد همین راوی هست چون راویان ضعیف دیگری هم این روایت دارد که این بنده خدا در همینی که زائید نتونست بزرگ کنه و اخر هم با بیچارگی فرار کرد

اما اینکه گفتی از سید بحر العلوم و جعفر سبحانی اورزدی در پاسخ می گویم اولاً از سید بحر العلوم نبود و سید خوئی بود گویا صاعقه های ما اینقدار سنگین بوده که اسم علما رو هم از یاد بردی

ثانیا ایت الله سبحانی هم منکر اعتبار این کتاب شده که دوباره مطلبش رو می زارم

شیخ جعفر سبحانی نیز مینویسد که تفسیر علی بن ابراهیم قابل اعتماد نیست و دارای شذوذ بسیاری

است

ثم إن الاعتماد على هذا التفسير بعد هذا الاختلاط مشكل جدا، خصوصا مع ما فيه من الشذوذ في المتن .

كليات في علم الرجال ج ١ ص ٣١٦ ناشر : مؤسسة النشر الاسلامي

خود سيد خوئي هم گفتيم راويان اين كتاب رو تضعيف کرده

و تنها استدلالت به کمال حيدري بود که گفتيم او را علما ارزشی قائل نشدن

اينها مختصري از رسوايي هايي بود که به بار اورديد

والسلام